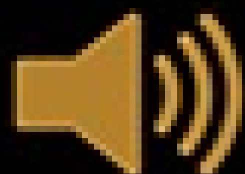
أحبّ الله من أحبّ حسيناً

منبر صوتی نوشتاری

امام حسین علیه السلام در قرآن

جلسه پنجم





سخنران

حجت الاسلام سید مجید نبوی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه پنجم

نویسنده:

سید مجید نبوی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه پنجم

مشخصات کتاب

سخنران :

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی

محل سخنرانی :

استان فارس : شهرستان اشکنان حسینیه جماران

موضوع سخنرانی :

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه پنجم ذبح عظیم

تاریخ سخنرانی :

محرم ۱۴۳۶ سال ۱۳۹۴ شمسی

ایمیل سخنران : nabavi۱۳۵@gmail.com

خطبه

Your browser does not support the audio tag.

اَعوذُ بِالله مِنَ الشیطان الرَّجیم

بسم الله الرَّحمنِ الرَّحیم اَلحَمدُلله ربّ العالمین بارِءِ الخَلائِق اَجمَعین جامِعِ الناس لِیوم لارَیبَ فیهِ ، ثُمَّ الصَلواهُ وَالسَلام عَلی سَیِّدِ الاَعظَم وَ نَتیجَهِ العالَم اَلعَبدِ المؤیَّد و الرَّسولِ المُسَّدد ، اَلمُصطَفَی الاَمجَد ، اَبِی القاسِم المُصطَفی مُحَمَّد صلی الله علیهِ وَ آبه و سلم و عَلی اهلِ بیتهِ الاَطیَبین الهُداهِ المَهدیین سیما بقیه الله فی الارضین الحجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه وَ سهلَ الله مَخرَجَهُ وَ ظُهورَه و لَعنَه الله عَلی اعدائهم أجمَعین مِن الان إلی قیام یَومِ الدّین .

ص:۱

شعر

Your browser does not support the audio tag.

عقده از دل بگشا لب بگشا بهر سخن

ورنه ای عقده گشا حل نشود مشکل من

تا نیایی ننشینی ، ننشانی آتش

آتش عشق تو شعله کشد در دل من

آب شد این دل و از دیده بر آمد ، چون سیل

در بیابان غمت مانده به گِل ، محملِ من

کی شود دیده ز دیدار تو روشن گردد

نور گیرد ز تو این دیده ی ناقابل من

یابن الحسن ، یابن الحسن ، یابن الحسن

ص:۲

آیه ی مورد بحث

.Your browser does not support the audio tag

وبَعد فَقد قالَ الحَکیم فی مُحکمِ کِتابِهِ الکریم و مُبرَمِ خِطابِهِ العَظیم

وَفَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ وَ تَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ سَلَامٌ عَلَی إِبْرَاهِیم کَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ . (۱)

ص: ۳

۱- و ما قربانی بزرگی را فدای او کردیم ودر میان آیندگان برای او (نام نیک) به جا گذاشتیم. درود و سلام بر ابراهیم. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم (که برای آنان مدح و ثنا به جا می گذاریم). سوره صافات آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰

اعلام صلوات

.Your browser does not support the audio tag

ایام عزای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ، جهت عرض تسلیت به پیشگاه مقدس و منور فرزند بزرگوارشان قطب عالم وجود حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا صلواتی ختم فرمایید .

ص:۴

ارتباط آیه با امام حسین علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

یکی دیگر از آیات قرآن مجید که در شأن آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام هست ، آیه صد و هفتم از سوره مبارکه صافات است . که خداوند تبارک و تعالی در این آیه می فرماید : (وَ فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ) ما یک ذبح و یک سر بریدن عظیم را برای حضرت اسماعیل فرزند ابراهیم جایگزین کردیم .

حالا در این که چگونه این آیه شریفه مربوط به ابا عبدالله الحسین علیه السلام است باید برویم در محضر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام زانو بزنیم و از محضر مبارکشان تفسیر این آیه را بخواهیم . آن وقت هست که با کلمات گهر بار خودشان ، ما را با مطلب آشنا می کنند .

امشب نیز در ذیل این آیه ، روایتی را از کتاب تفسیر البرهان آورده ام ، که لازم هست قبل از این که این روایت خوانده شود مقدمه ای برای شما عرض کنم و این مقدمه را گرچه می دانید ولی به جهت یادآوری برای فهم این آیه و روایت لازم است .

ص:۵

مقدمه

.Your browser does not support the audio tag

همه من و شما و کلیه انسانهایی که به این دنیا آمده اند ، آمده اند توی دنیا . دنیا کجاست ؟ به تعبیر امیر المؤمنین علیه السلام : دارٌ بالبلاءِ مَحفوفَةٌ (۱) یک خانه ای است این دنیا که با بلا درهم پیچیده شده است . یعنی نمی شود کسی به این دنیا بیاید و از این دنیا برود ، بدون این که گرفتاری ، بلایی ، مصیبتی یا چیزی برای او به وجود نیاید . امکان ندارد . در محضر امیر المؤمنین علیه السلام ، شخصی برای کسی دعا کرد ، گفت : « امیدوارم که بد نبینی . » امیر المؤمنین علیه السلام گفتند : « او را دعا کردی یا نفرین . » گفت : « او را دعا کردم چه دعایی بهتر از این . الهی بد نبینی مگر دعای بدی است ؟ » فرمودند : « مگر می شود کسی در این دنیا باشد و بد نبیند . » در یک صورت انسان از این دنیا بد نمی بیند و آن وقتی است که از این دنیا برود . معنی حرف تو ، الهی بد نبینی ، این هست که یعنی تو از این دنیا بروی و دیگر بد نبینی و الا تا زمانی که در این دنیا هستی بد می بینی . اصلا برای بد دیدن به این دنیا آمده ایم . حالا در این که ، فلسفه مشکلات دنیا چیست ، این قدر آیات زیادی در این باره وجود دارد و این قدر روایات و اهل بیت علیهم السلام ، توضیح آن را داده اند و این قدر کتاب در این مورد نوشته شده است که حد و حساب ندارد . من فشرده و خلاصه عصاره ی همه آیات و روایات و همه آن چه که بزرگان گفته اند در چند جمله فشرده می کنم و برای شما می گویم .

ص: ۶

۱- نهج البلاغه : خطبه ۲۲۶ .

چه مسلمان وچه کافر باشی ، چه شیعه و چه غیر شیعه باشی ، چه آدم خوب و یا چه آدم بدی باشی ، هرکه می خواهی باشی ، باش . وارد این دنیا شدی ، بلا می بینی . اما هر کس ، هرجور که بلا ببیند برای او حساب می شود .

مثلا اگر از بین من و شما گنه کاری وجود داشته باشد بلایی که در این دنیا می بیند باعث می شود فردای قیامت که می شود و خداوند متعال می خواهد ما را مجازات کند ، چون در این دنیا صدمه خورده ایم ، بلا و مصیبت دیده ایم در حساب آخرت در عذابمان تخفیف بدهد . لذا می گویند وقتی برای گنه کار بلا نازل می شود ، این بلا ، کفاره گناهان اوست . شیعه باشی ، گنه کار باشی و بلا سرت بیاید باعث می شود که قبل از رفتن از دنیا پاک شوی . این گرفتاری ها و بلاها تو را می سوزاند ، این آلودگی ها ، این مریضی ها ، داغ و مصیبت دیدن ها ، شدائد ، مصائب ، فقر و همه گرفتاری ها ، گناهان ما را می سوزاند . اگر که گنه کار باشیم .

یه عده ای سرشان در کار خودشان است حرف خدا و پیغمبر را گوش می دهند و اطاعت می کنند ، اصلا و ابدا در زندگی آنها گناه وجود ندارد ، آیا اینها هم بلا می بینند ؟ بله . اتفاقا این دسته از افراد ، بلایی که می بینند بیشتر است . عجب . ما که آدم خوبی هستیم و گناه نمی کنیم ، ما که کلاه برداری نکردیم ، ما که دروغ نگفتیم ، ماکه نماز خواندیم ، اطاعت کردیم . برای چی من و امثال من که هیچ گناهی نکردیم ، باید بلای بیشتری برایمان نازل شود ؟ گفته اند : هرکه در این بزم مقرب تر است ، جام بلا بیشترش می دهند . چرا ؟ می فرمایند : اینهایی که آدمهای خوبی هستند خدا آنها را بیشتر دوست دارد . وچون دوستشان دارد ، در بهشت جایگاه رفیعی برای آنها در نظر گرفته است . به این جایگاهشان نمی رسند مگر اینکه در برابر مشکلات و شدائد و مصائب صبر کنند .

لذا آمدند محضر امام رضا علیه السلام گفتند یابن رسول الله بنده ای از بندگان خدا ، یکی از دوستان شما ، که هیچ گناهی از او ندیده ایم ، این بنده خدا پیر شده و آلزایمر گرفته است بینایی خود را از دست داده است ، لال شده است . این قدر به زحمت افتاده است . حساب این آدم چه جوری هست ، این که هیچ گناهی نکرده است . فرمودند : او در پیشگاه خداوند جایگاهی دارد که به آن جایگاه نمی رسد مگر اینکه در برابر این مشکلات صبر و تحمل کند .

لذا امام صادق علیه السلام می فرماید : آدم مؤمنی که در این دنیا بلا و گرفتاری برایش آمده و فردای قیامت نامه عملش را به دستش می دهند می بیند برای یک سرماخوردگی چه قدر برایش ثواب نوشته اند . برای سردرد چه کارها کرده اند . برای یک شب که نان شب نداشته بخورد و صبر کرده است چه ثوابی برایش نوشته اند . در این نامه عمل غوغاست . امام صادق علیه السلام فرمود : این بنده مؤمن در صحرای یک آرزو می کند و می گوید : ای کاش در دنیا بدن من را قیچی ، قیچی می کردند که دیگر شکنجه ای بالاتر از این نیست و من بر این شدائد و مصائب صبر می کردم و حالا پاداشش را می گرفتم . (۱)

۱- امام صادق علیه السلام : اگر مومن می دانست که پاداش مصائب و گرفتاری هایش چه اندازه است ، آرزو می کرد او را با قیچی ها تکه تکه کننـد. عنْ عَبْـدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی یَعْفُور عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ ع:یَا عَبـدَ اللهِ لَو یَعلَمُ المُومِنُ مَا لَهُ مِنَ الاَجرِ فِی المَصَائِبِ لَتَمَنَی اَنَهُ قُرِضَ بِالمَقَارِیضُ. الکافی (ط-الاسلامیه) ، ج۲ ،ص۲۵۵(باب شده ابلاء المومن حدیث۱۵)

خیلی عجیب است . وقتی این روایات را می شنویم و به انواع گرفتاری ها و مشکلاتی که وجود دارد نگاه می کنیم ، آنجاست که می رسد به مرحله اطمینانِ نفس که دیشب صحبت کردیم .

نتیجه ی صبر بر مشکلات

Your browser does not support the audio tag.

آن خانمی که الان دارد با بچه و شوهرش زندگی می کند و بر بداخلاقی شوهرش صبر می کند بروید روایات را ببینید . آدرس می دهم خودتان بروید بخوانید و لذت ببرید . کتاب ثواب الاعمال ، از مرحوم شیخ صدوق است . زنی که بر بداخلاقی ، نداری و گرفتاری شوهرِخود صبر کند (۱)

ص: ۹

۱- در برخی روایات آمده است که عذاب قبر از سه دسته از زنان بر داشته شده و آنان با حضرت فاطمه سلام الله علیها محشور می شوند. یک دسته از آنان کسانی هستند که در برابر بد اخلاقی شوهران شان از خود صبر و بردباری نشان می دهند. در پایان این حدیث آمده است: یُعْطِی اللَّهُ کُلَّ وَاحِدَهٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِیدٍ وَ یَکْتُبُ لِکُلِّ وَاحِدَهٍ مِنْهُنَّ عِبَادَهَ سَنَهٍ(۱) یعنی خداوند به هر یک از این سه گروه از زنان به خاطر صبر و بردباری ثواب هزار شهید را می دهد، و برای هر یک از آنان ثواب یک سال عبادت در نامه عمل شان نوشته می شود. در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است. هر مردی بر بد اخلاقی زنش صبر و بردباری از خود نشان دهد، خداوند پاداشی را که به حضرت داود - یا حضرت ایوب (۲)- علیهما السلام به خاطر تحمل بلاها داده است به آن مرد می دهد. و اگر زنی بد اخلاقی شوهرش را تحمل کند و صبور باشد خداوند به او ثواب و پاداشی را که به جناب آسیه یعنی یکی از چهار زن برتر بهشتی داده است، عنایت می کند . (۳) ۱. وسایل الشیعه ۲۹ جلدی، شیخ حر عاملی، ج ۲۱، ص ۲۸۵، چاپ مؤسسه آل البیت، قم، سال انتشار ۱۴۰۹،ق. ۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج۷۳، ص ۳۶۷، مؤسسه الوفاء بیروت – لبنان، سال انتشار ۱۴۰۴ ق. ۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

و زود مثل بعضی خانم های امروزی به فکر طلاق نیفتد و بنشیند و سوزد و بسازد . فردای قیامت که می آید در صحرای محشر ، در پیشگاه خدا و درد دل کردن از این دنیا که چه بر سر من آمد . و هرچه تعریف می کند به زیبایی او افزوده می شود و هرچه از گرفتاری های این دنیا می گوید ، زیباتر و زیباتر می شود به اندازه ای زیبا می شود که حوری بهشتی ، آن حوری بهشتی که خداوند در وصفِ زیبایی اش در قرآن کریم غوغا کرده است . در مقابل این زنی که به دنیا رفته است و لطمه ها و صدمات و گرفتاری زیادی دیده است ، آن حوری بهشتی در مقابل این زن زیبایی اش بسیار کمتر است .

لذا امروز اگر من و شما مصیبت و گرفتاری از نظر مالی و هر نوع گرفتاری دیگری که در این دنیا است ، بر اینها صبر و تحمل داشته باشیم ، آنچنان اجری خدا به ما می دهد و آنچنان در مقابل صبر ، به ما پاداش می دهد که حد و حساب ندارد . این مقدمه را گفتم که سراغ این روایت برویم .

روایت مرتبط با آیه

.Your browser does not support the audio tag

روایتی است ، در کتاب تفسیر البرهان ، فضل بن شاذان می گوید :

(۱)

ص: ۱۰

۱- «عَنِ الفَضلِ بنِ شاذانَ قالَ سَمِعتُ الرِّضا علیه السلام یَقولُ: لَمّا أمَرَ اللهُ تَبارکَ و تَعالی إبراهیمَ علیه السلام أن یَذبَحَ مَکانَ ابنِه إسماعیلَ الکَبشَ الَّذی أنزَلَه عَلَیهِ تَمَنّی إبراهیمُ علیه السلام أن یَکونَ قَد ذَبَح ابنَه إسماعیلَ علیه السلام بِیَدِه و أنَّه لَم یؤمَر بِذِبحِ الکَبشِ مَکانَه لِیَرجِعَ إلی قَلبِه ما یَرجِعُ إلی قَلبِ الوالِدِ الَّذی یَذبَحُ أعَزَّ وُلدِهِ بِیَده فَیَستَحِقُّ بِذلکَ أرفَعُ درجاتِ أهلِ الثوابِ علی المَصائِبِ فأوحی اللهُ عزَّ وَ جلَّ إلیهِ یا إبراهیمُ مَن أحَبَّ خَلقی إلَیک فَقالَ یا ربِّ ما خَلَقتَ خَلقاً هُوَ أحَبُّ إلیَّ مِن حَبیبِکَ محمّد (صلی الله علیه و آله) فأوحی اللهُ عزَّ و جَلَّ إلیه یا إبراهیمُ أ فَهُوَ أحَبُّ إلیکَ أو نَفسُک قال بَل هُوَ أحَبُّ إلیَّ مِن نَفسی قالَ فَوَلدُه أحَبُّ إلیکَ أو وَلَدُک قالَ بَل وَلَدُه قال فَذِبحُ وَلَدِه ظُلماً عَلی أیدی أعدائِه أوجَعُ لَقَلبِک أو ذِبحُ وَلدِکَ بِیَدِکَ فی طاعَتی قالَ یا ربِّ بَل ذِبحُهُ عَلی أیدی أعدائِه أوجَعُ لِقَلبی قال یا إبراهیمُ فإنَّ طائفهً تَزعَمُ أنَّها مِن أمَّهِ محمّد(صلی الله علیه و آله) سَتَقتُلُ الحُسَینِ علیه السلام ابنَهُ مِن بَعدِه ظُلماً و عُدواناً کَما یُذبَحُ الکَبشُ فَیستوجِبونَ بِذلکَ سَخَطی فَجَزَعَ إبراهیمُ علیه السلام لِذلك و تَوَجَّعَ قَلبُه و أقبَلَ یَبکی فأوحی اللهُ عزَّ و جَلَّ إلیه یا إبراهیمُ قَد فَدَیتَ جَزَعَکَ علی ابنِکَ إسماعیلَ لو ذَبَحتُهُ بِیَدِک بِجَزَعِک عَلی الحُسَینِ علیه السلام و قَتلِه و أوجَبتَ لَک أرفَعَ دَرجاتِ أهلِ الثَّوابِ عَلی المَصائِبِ فذلک قول الله عز و جل«وَ فَدَیْناهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ» و لا حول و لا قوه إلا بالله.» امام رضا(علیه السّلام) فرمود: چون خدای عزّ وجلّ ابراهیم(علیه السّلام) را امر کرد که به جای فرزندش اسماعیل(علیه السّلام)، گوسفندی را که خدا برایش فرو فرستاده بود قربانی کند، ابراهیم درخواست کرد که فرزندش اسماعیل(علیه السّلام) را با دستش ذبح کند- و اگر به کشتن گوسفند امر نمی شد، همین کار را می کرد- تا آن داغی را که بر قلب پدری که عزیزترین فرزندانش را با دست خود قربانی کرده، وارد شده است، به دل او هم وارد شود، و به این ترتیب سزاوارِ بلندترین درجات اهل ثواب بر بلاها گردد، پس خدای عزّ و جلّ به او وحی کرد: ای ابراهیم، چه کسی از آفریدگانم را بیشتر دوست داری؟ گفت: پروردگارا، تو کسی را نیافریدی که از دوستت محمّد(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) محبوب تر باشد، خدا به او وحی کرد: آیا او را بیشتر دوست داری یا نَفسِ خود را؟ گفت: بلکه من او را بیشتر از خود دوست دارم، فرمود: فرزندش نزد تو محبوب تر است یا فرزند خودت؟ گفت: بلکه فرزند او، فرمود: کشته شدنِ فرزندِ او به ستم و ظلم به دستِ دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می آورد یا کشته شدن فرزندت به دست خودت در راه اطاعت از من؟ فرمود: پروردگارا، بلکه کشته شدنِ او به دستِ دشمنانش قلبِ مرا بیشتر به درد می آورد، فرمود: ای ابراهیم، پس همانا گروهی که گمان می کنند از امّت محمّد(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) هستند، به زودی بعد از پسرش حسین را از روی ظلم و دشمنی به قتل می رسانند همان گونه که گوسفند قربانی می شود بدین واسطه مستوجب خشم من خواهند شد، پس ابراهیم به سبب آن بی تاب شد و دلش به درد آمد و گریست، خدای عزّ و جلّ به او وحی فرمود: ای ابراهیم به تحقیق، فدیه ی بی تابی بر فرزندت اسماعیل- یعنی اگر او را ذبح می کردی- به اندوهگینی ات بر حسین(علیه السّلام) و کشته شدنش برابر گشت، و برای تو بلندترین درجات اهل ثواب بر مصیبت ها خواهد بود، و به این سبب سخن خدای عزّ و جلّ است که فرمود: "ما قربانی

بزرگی را فدای او ساختیم." عیون اخبار الرضا علیه السلام ج۱ ص۲۰۹؛ تاویل الآیات الظاهره ص۴۶۸؛ بحارالانوار ج۴۴ ص۲۲۵

شنیدم از امام هشتم ، ثامن الحجج ، آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام یقول ، ایشان فرمودند : (لَمّا أمَرَ اللهُ تَبارکَ و تَعالی إبراهیمَ علیه السلام أن یَذبَحَ مَکانَ ابنِه إسماعیلَ الکَبشَ الَّذی أَنزَلَه عَلَیه) اشاره می کند به آن ساعتی که ابراهیم ، چاقو را گذاشت زیر گلوی پسرش ، اسماعیل و داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را همه شما می دانید . داستان حضرت ابراهیم از داستان های عجیب این عالم است . دیشب شمه ای از آن را برایتان گفتم . اما باز سریع می گویم و رد می شوم تا ببینیم قصه چیست .

حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در عالم رؤیا به او گفته شد باید پسرت ، اسماعیل را بِبَرید و سر بِبُرید . حالا اسماعیل کیست ؟ نود سال حضرت ابراهیم ، به درگاه خدا دعا کرده است که فرزندی به من عطا کن . بعد از نود سال خداوند از هاجر پسری به حضرت ابراهیم ، عطا کرد . اسماعیل به سن سیزده سالگی رسیده بود . یعنی همان سنی که پدر و مادر می خواهند برای بچه خود جان بدهند . خداوند به او می گوید : اگر من و دوست داری باید ثابت کنی . در این دنیا هر کس ادعایی دارد خداوند به سادگی از آن قبول نمی کند . او را امتحان می کند ، ببیند راست یا دروغ می گوید . من و شما هر روز داریم امتحان پس می دهیم . ای ابراهیم مرا دوست داری ؟ بله . پس فرزندت را بیاور و سر ببر . این موضوع را با فرزندش مطرح می کند که ای پسرم ، همچون خوابی دیدم . پسری تربیت شده است از حضرت ابراهیم علیه السلام که می گوید :

(یا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِین) (۱)پدر جان ، خدا به تو دستور داده است اطاعت کن . فکر من نباش . انشاالله من هم صبوری می کنم و تو را در این مسیر یاری می کنم . چاقو و طناب را بر می دارد و راه می افتد . سه مرتبه شیطان مجسم می شود می خواهد او را منصرف کند ، دستور می رسد که به او سنگ بزنند . همان سرزمین منا که رمی جمرات که حاجیان سه جا به هر ستونی هفت بار سنگ می زنند . بچه را آورد .

(وَ تَلَّهُ لِلْجَبِین) (۲)دست های بچه را با طناب بست . چون خودش گفته بود پدر جان دست هایم را ببند تا موقع جان کندن ، تو با دیدن این صحنه ناراحت نشوی . چشمانم را هم ببند تا موقع بریدنِ گلویم چشمت به چشمم نیفتد و منصرف نشوی . به هر حال چاقو را گذاشت زیر گردن اسماعیل . حالا یک چیزی من می گویم و یک چیزی هم شما می شنوید ولی واقعا صحنه عجیبی بوده است . تصور آن هم برای انسان سخت است چه برسد که در مرحله اجرا قرار بگیرد . هر کاری کرد و چاقو را فشار داد ، نبُرید . دو بار ، سه بار ، تکرار کرد و نبُرید چاقو را را پرتاب کرد و به سنگی بر خورد کرد . سنگ از وسط دو نیم شد . ابراهیم تعجب کرد به چاقو گفت : سنگِ به این بزرگی را می بُری ، گلوی به این نازکی را نمی بُری ؟ چاقو به سخن آمد . (الخلیل یأمُرُنی و الجلیل یَنهانی) (۳)تو که خلیلِ خدا هستی می گوید ببر ولی خدا که جلیل است می گوید نبر و من اطاعت خدا را بر اطاعت تو مقدم می دارم . همان وقت (وَ فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیم) خداوند گوسفندی از آسمان فرود آورد که ای ابراهیم به جای پسرت ، این گوسفند را سر ببر . ما خواستیم تو را امتحان کنیم و تو امتحانت را پس دادی . قبول شدی . می خواستیم ببینیم تا کجا روی حرفت هستی . تو قبول شدی . ما هم به این امر راضی نیستیم . خواستیم ببینیم تو چکاره هستی .

۱- سوره صافات آیه ۱۰۲

۲- سوره صافات آیه ۱۰۳

۳- تفسیر منهج الصادقین،ج ۸، ص ۷ و الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج۵، ص۲۶۶.

امام رضا علیه السلام می فرماید : وقتی حضرت ابراهیم دید یک گوسفندی آمد . حالا باید سر گوسفند را ببرد چاقو را که گذاشت زیر گلوی گوسفند . حالا حرفی نزده است در ذهنش است . خدا از همه چیز آگاه هست . من و شما چه فکر هایی که در ذهنمان است و خدا از همه آنها آگاه است . ابراهیم خلیل آرزو کرد

أن یَکونَ قَد ذَبَح ابنَه إسماعیلَ علیه السلام بِیَدِه و أنَّه لَم یؤمَر بِذِبحِ الکَبشِ مَکانَه لِیَرجِعَ إلی قَلبِه ما یَرجِعُ إلی قَلبِ الوالِدِ الَّذی یَذبَحُ

آرزوی ابراهیم چه بود ؟ ای کاش این چاقو گلوی بچه ام را بریده بود . کار به اینجا نمی رسید که حالا من بیایم گوسفند را سر ببرم . این دیگر چه طرز تفکری است ؟ مگر رحم ، مروت ، شفقت ، پدری ، مگر نعوذ بالله ، حضرت ابراهیم علیه السلام از اینها دور بود . آیا حضرت ابراهیم علیه السلام دل نداشت . حالا برو خدا راشکر کن . حالا نشد سر بچه را ببری ، سر گوسفند را ببر و برو دنبال کارت . نه . می دانید چه فکری می کند ؟ می گوید اگر سر بچه ام را بریده بودم یک عذابی و یک فشاری به من وارد می شد . این فشاری که به من می آمد ، من در مقابل آن صبر می کردم . آن صبری که من می کنم خدا در عوضش ، آن قدر به من مقام می دهد و من را مقرب می کند . که حالا با کشتن این گوسفند من ناراحت نمی شوم . اما اگر بچه ام باشد من ناراحت می شوم و صبر می کردم بر آن مصیبت و خدا مرا بالا می برد و مقامم را بیشتر می کرد . یک همچون فکری را حضرت ابراهیم علیه السلام کرد .

خداوند فکر او را خواند و به او فرمود : (فأوحی اللهُ عزَّ وَ جلَّ إلیهِ) خدا رحم کرد به حضرت ابراهیم . یا ابراهیم چند تا سؤال از تو می پرسم . سؤالم را خوب گوش بده و پاسخ بده .

سؤال اول

.Your browser does not support the audio tag

سؤال اول : (مَن أحَبَّ خَلقی إلَیک) بین این مخلوقات من ، بین آدمهایی که من خلق کرده ام چه کسی را بیشتر دوست داری ؟ خیلی سؤال مهمی است . اگر یک خبرنگار بیاید بین من و شما و بگوید از بین مخلوقات خدا چه کسی را بیش تر از همه دوست دارید ما چه جوابی می دهیم ؟ جواب خیلی مهم است . خدا که خالق است . نه . بین این مخلوقات که من خلق کرده ام . بین این انسانها کدام یک را بیشتر دوست دارید ؟ یکی می گوید پدرم ، یکی می گوید مادرم ، یکی می گوید فرزندم ، یکی می گوید همسرم ، حضرت ابراهیم در جواب خدا عرض کرد : یاربِّ . خدایا ، خودت از دل من خبر داری و می دانی که راست می گویم (فَقالَ یا ربِّ ما خَلَقتَ خَلقاً هُوَ أحَبُّ إلیَّ مِن حَبیبِکَ محمّد (صلی الله علیه و آله) خدایا خودت می دانی در دلم بگردی هیچ کس را در این عالم بیشتر از پیغمبر اسلام دوست ندارم . هنوز پیغمبر به دنیا نیامده بود ولی معرفت زیادی حضرت ابراهیم ، نسبت به پیغمبر اسلام داشت . خیلی عجیب است . به دلت نگاه کن اگر دیدی پیغمبر را بیشتر از همه دوست داری ، ببین در بهشت همنشین حضرت ابراهیم خواهی شد . یا حضرت ابراهیم ، فأوحی اللهُ عزَّ و جَلَّ إلیه یا إبراهیمُ

ص: ۱۴

سوال دوم

.Your browser does not support the audio tag

سوال دوم (أ فَهُوَ أحَبُّ إلیکَ أو نَفسُک) می خواهم ببینم از بین مخلوقاتم که گفتی پیغمبر را دوست دارم ، حالا خودت را بیشتر دوست داری یا پیغمبر اسلام را ؟ سؤال مهمی بود . همه انسانها حب ذات دارند . همه خودشان را دوست دارند . کسی نیست که خودش را دوست نداشته باشد . این چیزی هست که خداوند در نهاد انسان ها قرار داده است . (فطرَتَ الله التی فَطَرَ الناس علیها) [(۱)](#)می دانید که انسان ها برای دوست داشتن خودشان چه کارها که نمی کنند . ای ابراهیم حالا که می گویی پیغمبر را بیشتر از همه دوست دارم ، حتی از خودت هم بیشتر دوست داری ؟ حضرت ابراهیم در جواب گفت : (بَل هُوَ أحَبُّ إلیَّ مِن نَفسی) چرا دروغ بگویم . خودت که از دل من خبر داری . می دانی که آنقدر پیغمبر اسلام را دوست دارم که حتی بیشتر از خودم دوستش دارم . عجیب است . من و شما زمانی می توانیم مسلمان واقعی باشیم که پیغمبر اسلام را از خودمان بیشتر دوست داشته باشیم . سؤال دوم را هم پاسخ داد .

ص:۱۵

۱- آیه ۳۰ سوره روم

سوال سوم

.Your browser does not support the audio tag

سؤال سوم : یا ابراهیم تو پسر خودت را دوست داری یا پسر آن پیغمبر را ؟ سؤال مهمی است . (فَوَلده أحَبُّ إلیکَ أو وَلَدُک قالَ بَل وَلَدُه) خدایا من پسر آن پیغمبر را از پسر خودم اسماعیل بیشتر دوست دارم .

خداوند فرمود : می خواهم چیزی به تو بگویم : اگر کسی به تو بگوید (فَذِبحُ وَلَدِه ظُلماً عَلی أیدی أعدائِه) $ پسر آن پیغمبر را که از پسر خودت بیشتر دوستش داری ، دشمنان از روی ظلم او را می کشند (أوجَعُ لَقَلبِک أو ذِبحُ وَلدِکَ بِیَدِکَ فی طاعَتی) آیا این برایت درد آورتر است یا این که با چاقو گلوی فرزندت را ببری ؟ کدام یک از این دو برایت سخت تر است ؟ حضرت ابراهیم علیه السلام گفت : یا رب (یا ربِّ بَل ذِبحُهُ عَلی أیدی أعدائِه أوجَعُ لِقَلبی) اگر همچون اتفاقی بیفتد و من بشنوم که همچون اتفاقی می خواهد برای پسر پیغمبر بیفتد . اصلا تحمل آن برایم سخت تر است تا این که با دست خودم اسماعیل را سر ببرم .

ص: ۱۶

روضه خوانی امام حسین علیه السلام توسط خداوند متعال برای حضرت ابراهیم علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

اینجا بود که خداوند تبارک و تعالی برای ابراهیم علیه السلام روضه خواند . مردم ،

عزاداران امام حسین علیه السلام ببینید برای چه کسی روضه می خوانید ، برای چه کسی مجلس عزا به پا می کنید . برای کسی که خدا روضه خوان اوست . حالا روضه آن چیست ؟ روضه او دو کلمه است .

(قال یا إبراهیمُ فإنَّ طائفةً تَزعَمُ أنَّها مِن أمَّةِ محمّد (صلی الله علیه و آله) سَتَقتُلُ الحُسَینِ علیه السلام ابنَهُ مِن بَعدِه ظُلماً و عُدواناً) ای ابراهیم ، همین قدر برایت بگویم عده ای که خودشان را از امت این پیغمبر می دانند . بعد از پیغمبر اسلام ، پسرش حسین را سر می برند . (کَما یُذبَحُ الکَبشُ) همان طور که یک گوسفندی را سر می برند ، سر از بدن حسین زهرا جدا می کنند .

(فَیستوجِبونَ بِذلکَ غضبی) وقتی این کار را انجام می دهند اینها مستحق غضبِ منِ خدا می شوند . این روضه ی خدا برای حضرت ابراهیم علیه السلام بود . حالا ببین چه اتفاقی افتاد .

(فَجَزَعَ إبراهیمُ علیه السلام لِذلک) شروع کردن به گریه کردن . گریه که چه عرض کنم، فَجَزَع . آن قدر گریه کرد که به جزع فزع افتاد . آنقدر خودش را زد و فریاد زد (و تَوَجَّعَ قَلبُه و أقبَلَ یَبکی) و آنقدر گریه کرد وقتی که آرام شد . خدا فرمود : ای ابراهیم (فأوحی اللهُ عزَّ و جَلَّ إلیه یا إبراهیمُ قَد فَدَیتَ جَزَعَکَ علی ابنِکَ إسماعیلَ لو ذَبَحتَهُ بِیَدِک بِجَزَعِک عَلی الحُسَینِ

علیه السلام) این اشکی که برای امام حسین علیه السلام ریختی ، تو را به مقامی می رساند که اگر با چاقو سر پسر خودت اسماعیل را ذبح می کردی اصلا و ابدا به این مقام نمی رسیدی . یعنی ای عزاداران حسینی ، اگر قطره اشکی برای امام حسین علیه السلام ریختی خدا به مقامی تو را می رساند که اگر با چاقو سر فرزندت را در راه خدا ببری اصلا به آن مقام نمی رسی . این قدر عظمت دارد . خیلی حرف بالاست . لذا فرمود (و أوجَبتَ لَک أرفَعَ دَرجاتِ أهلِ الثَّوابِ عَلی المَصائِبِ) امام رضا علیه السلام فرمود یک مقامی به جهت این اشک به ابراهیم داد (فذلک) این است که خدا در قرآن فرمود (« وَ فَدَیْناهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ » ما فدا کردیم به جای ذبح اسماعیل یک ذبح عظیم را . ما گفتیم ای ابراهیم این پسرت ، اسماعیل را بگذار باشد . از نسل او پسری برایتان می آید به نام حسین که برای او برنامه ای داریم . و ذبحش ، ذبحِ عظیم جهانی خواهد شد . داستان امام حسین و واقعه کربلا و عاشورا به این دو کلمه ختم نخواهد شد . لذا امام حسین علیه السلام ، دستگاه با عظمتش دارای مقام خیلی والایی است و ما خدا را شکر می کنیم . خدایا ممنونیم که ما را جزء عزاداران ابا عبدالله قرار دادی و یک چنین توفیقی عطا کردی . خدایا این توفیق را از ما نگیر .

ص: ۱۷

روضه

.Your browser does not support the audio tag

السلام علیک یا سیدی و مولای یا ابا عبدالله .

شب پنجم ماه محرم است . معمولا رسم است در یک چنین شبی ، روضه عبدالله پسر امام حسن مجتبی علیه السلام خوانده می شود . پسر امام مجتبی که در سرزمین کربلا به شهادن رسید .

صَلَّی الله عَلیکَ یا سَیِّدی وَ مَولایا اَبا عَبدالله

پسر امام حسن علیه السلام یازده سال بیشتر نداشت . مرحوم سید بن طاووس (اعلی الله مقامَهُ الشریف) در کتاب شریف لُهوف ، می نویسد : روز عاشورا هر که می خواست إذن میدان بگیرد به او اجازه نمی داد . آن لحظات آخر که با حضرت زینب (س) آمد بالای تل زینبیه . وقتی دید یکی از دشمنان آمده است بالای سر ابی عبدالله ، طاقت نیاورد این صحنه را ببیند از بین زنها دوان دوان آمد به سمت گودی قتلگاه ، ابی عبدالله فرمود خواهرم جلوی این بچه را بگیر . حضرت زینب هرچه کرد نتوانست از پس او بر بیاید . این آقازاده آمد . وقتی به آن دشمن رسید گفت : ای زنا زاده می خواهی عموی مرا بکشی ، دستش را جلو برد . آن ظالم ، آنچنان دست عبدالله را قطع کرد , در بغل ابا عبدالله افتاد . چه مصیبتی سید الشهداء آن لحظه آخر با چشم خود می بیند . آخر این بچه از کودکی در دامان ابی عبدالله بزرگ شده است . فرمود : (یا بن اصبر علی نزل بما بک و اعتصم فی ذالک الجزا فان الله تعالی یذهبک اباء الصالحین) عزیزم ، دست تو را از بدن جدا کرده اند بگذار به حساب خدا ، همین طور که ابی عبدالله بچه را آرام می کرد یک مرتبه حرمله نابکار ، آنچنان تیری به عبدالله زد که در آغوش آقا جان داد . حضرت زینب کبری (س) وقتی این صحنه را مشاهده کرد صدا زد (وا إبن اَخا) ای یادگار برادرم (لیتَ الموت احد من الموت) کاش مرگ من می رسید و من این صحنه را نمی دیدم (لیتُ السماء و الارض) ای کاش آسمان بر سر

زمین فروریزد . این چه داغی بود در این لحظه به جگر زینب کبری (س) وارد شـد . برای فرج آقا امام زمان در همین حال که هستی سه مرتبه بلند صدا بزنیم یا حسین ، یا حسین ، یا حسین

صَلوات الله و سَلامُهُ عَلیک یا رسول الله و عَلی اَهلِ بیتِکَ المَظلومین

ص: ۱۸

دعا

.Your browser does not support the audio tag

به مقامشان ما را ببخش و بیامرز (الهی آمین)

تعجیل در فرج آقا امام زما بفرما (الهی آمین)

از بقیه غیبت آقا صرف نظر بفرما (الهی آمین)

این قلیل توسلات از همه ما به شایستگی قبول بفرما (الهی آمین)

مریضان را لباس عافیت بپوشان (الهی آمین)

قرض مقروضین ادا بفرما (الهی آمین)

آبروی آبرومندان حفظ کن (الهی آمین)

ثوابی از این جلسه به روی ، شهدا ، صُلحاء ، مؤمنین ، مؤمنات ، عائد و واصل بفر ما . (الهی آمین)

خدایا قسمت می دهم در دنیا و آخرت ، دست ما از دامان ابی عبدالله کوتاه مفرما . (الهی آمین)

در دنیا از زیارت قبورشان ودر آخرت ما را از شفاعتشان بهره مند کن . (الهی آمین)

مولای مکرم ، شرح صدر عنایت فرما (الهی آمین)

بجاه محمد و آله الاطهار

ص:۱۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹